

NOT FOR PUBLICATION
« برای انتشار نیت »

پرونده آ / ۱

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده
FILED - ثبت شد	
Date ۱۳۶۱ / ۵ / ۱۲	تاریخ 3 AUG 1982
	شماره A/1

بیان: آلد ریچ ، هولتزمان و ماسکا اعضای دیوان ، راجع
به موضوع نحوه تعلق بهره حاصله در حساب تامینی

ما داوران امریکایی دیوان مراتب موافقت خود را با تصمیم دیوان در خصوص نحوه تعلق بهره حاصله در حساب تامینی اعلام میداریم زیرا که بنظر ما این تصمیم ، مفاد بند ۷ بیانیه عمومی را ولو محافظه کارانه و لکن (در مجموع) بصورت منصفانه مورد تفسیر قرار میدهد . این نوع تفسیر ، شکل فعلی تعهدات و مزایای موافقت نامه ها را در مواردی که وجود آنها در غیاب موافقت نامه های دیگر فیما بین دولتین مستدلا قابل پیش بینی باشد حفظ می کند . ما ضمن اینکه ، معتقدیم چنانچه بهره مستقیما به حساب تامینی منظور شود انطباق و سازگاری بیشتری با نحوه بیان ، هدف و منظور بیانیه های الجزایر و نیز با عرف معمول بانکداری دارد ، با وجود این به رای اکثریت برای اینکه بتوان این مساله را به نحو قابل قبولی فیصله داد* گردن می نهیم .

ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می دارد :

" دیوان داورى اتخاذ تصمیم در باره تمام موارد را براساس رعایت قانون انجام خواهد داد و مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل را به کار خواهد برد و در این مورد ، کاربردهای عرف بازرگانی ، مفاد قرارداد و تغییرات اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت ."

اگر چه بیانیه های الجزایر و موافقت نامه های مربوط شکل معمول معاهدات را ندارند ، لیکن با توجه به مفهوم و مفاد ماده ۲ کنوانسیون ویسین در باره قانون معاهدات ، مورخ ۱۹۶۹ ، " معاهده " به شمار می آیند . البته قواعد مربوط به تفسیر معاهدات مساله ای است مربوط به حقوق بین الملل که در کنوانسیون وین وضع و تدوین گردیده است . در مورد این مساله اختلافی نیست ، چه هر دو دولت قبول کرده اند که کنوانسیون وین راهنمای دیوان در تعبیر و تفسیر بیانیه های الجزایر باشد . استنساخ از جلسه استماع مورخ ۸ مارس ۱۹۸۲ (۱۸ اسفند ۱۳۶۰) صفحات

۱۳ و ۹۰ - ۸۸

* چنین اکثریتی در بند ۱ ماده ۳۱ مقررات دیوان پیش بینی گردیده . رجوع بشود به ساندرز ، اظهار نظر در باره قواعد داورى و کسنترال . جلد دوم (۱۹۷۲) سالنامه داورى بازرگانی

بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین قاعده کلی زیر را جهت تفسیر (معاهدات)
مقرر می دارد :

" معاهدات را باید با حسن نیت و بر طبق مفهوم رایج کلمات و عبارات
معاهده در متن کلی آنها ، و در پرتو هدف و مقصود معاهده ،
تفسیر نمود ."

نحوه بیان و عبارات بیانیه های الجزایر به طور حتم این تفسیر را میسر
می سازد که بهره حاصله وجوه حساب تامینی ، به محض تحقق ، باید به خود حساب
تعلق گیرد . بند ۷ بیانیه عمومی مقرر می دارد که حساب تامینی باید " بهره دار "
بوده و " کلیه موجودی حساب تامینی باید صرفا برای تضمین پرداخت ، و تادیه
ادعاهای علیه ایران بر طبق بیانیه حل و فصل دعاوی ، مورد استفاده قرار گیرد ."
(تاکید از نویسنده) .

ضوابطی که غالبا در تفسیر نحوه بیان معاهدات مورد استفاده واقع می شود
نیز ، نحوه تفسیر مورد ترجیح ما را تأیید می کند .

هدق و مقصود بند ۷ بیانیه عمومی از افتتاح یک حساب تامینی بهره دار به
روشنی ایجاد تضمین برای پرداخت مبالغ (محکوم به) احکامی بوده است که دیوان
داوری ممکن بود علیه ایران صادر کند . تعلق بهره حاصله در حساب تامینی به وجوه
تشکیل دهنده آن ، به نظر ما ، با این هدف و مقصود هماهنگ تر و سازگارتر است
تا هر ترتیب دیگری ، به ویژه با توجه به این واقعیت که به مرور زمان مبالغ
بیشتری از حساب تامینی مصروف بهره پرداختی ادعاهای مستند تادیه نشده گردیده
و لذا تأثیرش اینست که تعداد دعاوی که می توان از محل یک میلیارد دلار اولیه
در حساب تامینی تادیه نمود را تقلیل میدهد . ضمن قبول این نکته که تضمین
ایجاد شده برای خواهانهای آمریکایی صرفا منحصر به وجوه این حساب نبوده ، و
شامل این تعهد از جانب ایران نیز هست که حساب تامینی را در صورت کاهش به زیر
۵۰۰ میلیون دلار ، ترمیم نماید ، علیهذا ما معتقدیم که تفسیر مورد ترجیح ما
با دلایل ایجاد حساب تامینی سازگاری بیشتری دارد .

بعلاوه ، ما نسبت به سایر اعضای اکثریت تأکید بیشتری بر اهمیت عرف و رویه
بانکداری به عنوان ابزار لازم جهت تفسیر بیانیه در رابطه با نحوه تعلق بهره
حاصله وجوه حساب تامینی ، قائلیم .

بر طبق کنوانسیون وین و ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی هر دو ، اقتضا
دارد که به اصول حقوق تجارت و عرف و رویه بانکداری استناد کنیم . کاربرد

اينگونه عرف و قانون به ويژه در ماده ۵ ، مورد اشاره واقع شده است. اين کاربرد همچنين از نظر فهم و درک " مفهوم رايج کلمات و عبارات معاهده در متن کلى آنها ، " به نحو مقرر در ماده ۳۱ کنوانسيون وين ، ضرورى است . * حساب تامينى که برآى پرداخت ادعاهاى ناشيه از معاملاتى که عمدتاً کيفيت تجارى داشته اند ، تاسيس گرديده شکل يک حساب امانى را دارد يعنى يک مکانيسم حقوقى است که عمدتاً در رابطه با معاملات تجارى به وجود آمده و مورداستفاده قرار گرفته . هر يک از دولتين اهميت روشهاى بانکدارى را ضمن ارائه مدارک و ادله مفصل در باره حقوق و رويه بانکدارى تجارى صريحا مورد پذيرش قرار داده اند . مذاکره کنندگان ايران و ايالات متحده ، که در بين آنها بانکداران بين المللى مجربى از هر دو طرف وجود داشت ، از اين عرف بانکدارى مطلع بوده ، و يا مى بايستی مطلع بوده باشند و بايد قبول کرد که توافق حاصله بين طرفين با توجه به اين رويه صورت گرفته است .

هر دو دولت مدارک و ادله اى به شکل شهادتنامه توسط کارشناسان ارائه کرده اند . گواهي کارشناسان تقريبا همه جادر ديوانها و مراجع بين المللى داراى ارزش و اعتبار قانونى است . رجوع شود به دى . سانديفر ، اسناد و مدارک تسليمى در ديوانهاى بين المللى ۳۴۸ - ۳۲۵ " چاپ تجديد نظر شده ، ۱۹۷۵) . همينطور روشن است که چنين گواهي و شهادتى مى تواند به شکل شهادتنامه ارائه شود . همانجا ص ۲۵۷ . کارشناسان بانکدارى که گواهي آنها در ديوان موجود است ، همگى قبول کرده اند که بر طبق قانون و عرف بانکدارى ، فقط بانک مرکزى الجزاير ، به عنوان کارگزار امانى ، مى توانند در مورد پرداخت بهره حاصله وجوه حساب تامينى به بانک امين دستور دهد و کارگزار امانى نيز فقط با رضایت متقابل ايران و ايالات متحده مى تواند اقدام به چنين کارى کند . همچنين در اين مورد که منظور از عرف بانکدارى چيست در وضعيتى که هيچکس از موافقت تامه هاى موجود حساب امانى يا ساير اسناد منعقد شده طرفين حاوى دستورات صريحى درباره نحوه تعلق بهره حاصله در حساب تامينى نباشد نيز ، اتفاق نظر چشمگيرى بين کارشناسان بانکدارى وجود دارد . دو کارشناس از طرف ايران و چهار کارشناس از جانب ايالات متحده در شهادتنامه هاى خود گواهي دادند که طبق عرف بانکدارى ، در چنين حالتى بهره بايد به حسابى که اصل مبلغ در آن نگهدارى مى شود ، تعلق گيرد .

* همچنين رجوع شود به دعاوى آمباتيه لوس (يونان عليه انگلستان) کميسيون

داورى يونان - انگلستان ، ۱۲ آر . احکام داورى بين المللى ، ۱۰۸ و ۸۲ (۱۹۵۶)

(" طبعاً " ، نحوه بيان (معاهدات) متاثر از عرف و سنت وقت بوده و بـ

وضوح مى بايست در پرتو همين واقعيت نيز تعبير و تفسير شود . "

یک کارشناس از جانب ایران و یک کارشناس از سوی ایالات متحده اضافه کردند که به عنوان یک راه حل ثانی، می توان بهره را در یک حساب جداگانه نگهداری کرد.

با توجه به اهمیت و ارجحیت گواهی کارشناسان و نیز با توجه به هدف و منظور بیانیه عمومی، ما معتقدیم که تصمیم منطقی ترین بود که بهره مستقیماً به حساب تامینی منظور گردد. معذک، ما متوجهیم که گواهی بعضی کارشناسان موید بر نگهداری بهره در یک حساب جداگانه است، و با توجه به این گواهی است که ما قادریم به تصمیم اکثریت دایر بر اتخاذ راه حل ثانی بپیوندیم. به ویژه از این نظر ما قادر به قبول رای اکثریت هستیم که مگر در صورتیکه دو دولت بنحو دیگری توافق کنند، نتیجه عملی این تصمیم اینست که بهره در صورت لزوم، به عنوان منبعی جهت ترمیم حساب تامینی تا تادیه کامل احکام دیوان، در دسترس ایران خواهد بود و فقط از آن ببعد است که مازاد بهره همراه با هر مبلغی که در حساب تامینی مانده باشد به ایران پرداخت خواهد شد.

Richard M. Mosk
ریچارد ام. ماسک

Howard Am. Holtzman
هوارد ام. هولتزمن

George A. Aldrich
جورج اچ. آلدریج

* مقایسه کنید با دعوای و بز فابیلوس فارماسیز، اینکورپوریتد، علیه ایالات متحده، بک ویت، ۴۴۹ ایالات متحده، ۱۶۲، ۱۵۵ (۱۹۸۰) (دیوان عالی ایالات متحده اعلام کرد که "قاعده کلی و معمول اینست که هر بهره ای که به یک سپرده تضمینی یا مبلغ مدعا به چند طرف، تعلق گیرد به دنبال اصل رفته و نهایتاً باید به کسانی که مالک آن اصل خواهند شد تخصیص یابد". (تاکید از نویسنده))